

۳



بازنگری در حذف کالابرگ دهک‌های بالا
«یادداشت»



۳



از کیمیای اصلاحات تا مهار واپسگرایی
«یادداشت»



۸



نشت توسعه عدالت آموزشی
در گلستان



تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گران، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

یادداشت اول

انزوای دیجیتال

■ فاطمه سروانی

طی بیش از یک ماه گذشته، ایرانیان با طولانی‌ترین و گسترده‌ترین قطعی اینترنت در تاریخ جمهوری اسلامی روبرو بودند؛ وضعیتی که نه تنها ارتباط آن‌ها با جهان خارج را قطع کرد، بلکه نفس بسیاری از کسب‌وکارها و خدمات آنلاین را بندآورده بود. امروز، پس از گذشت این مدت، اینترنت دوباره وصل شده است و بسیاری از مردم به شبکه‌های آنلاین دسترسی دارند، اما تأثیرات این قطعی هنوز در گوشه و کنار زندگی روزمره احساس می‌شود. در این یادداشت، قصد داریم به بررسی تبعات این بحران و چالش‌های باقی‌مانده پس از بازگشت اینترنت بپردازیم. قطعی اینترنت، علاوه بر محدود کردن دسترسی به اطلاعات جهانی، به انزوای اجتماعی زیادی انجامید. شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها در دنیای امروز به اصلی‌ترین ابزارهای برقراری ارتباط تبدیل شده‌اند. بسیاری از افراد، به‌ویژه کسانی که در خارج از ایران یا در شهرهای دور از مرکز زندگی می‌کنند، حالا پس از بازگشت اینترنت می‌توانند ارتباطات خود را از سر بگیرند. اما این بازگشت، که در نگاه اول ممکن است خوشایند به نظر برسد، نمی‌تواند خلا و آسیب‌هایی که در این مدت به روحیه و احساس تعلق اجتماعی افراد وارد شده را جبران کند. انقطاع ناگهانی از دنیای آنلاین باعث شد احساسات تنهایی و انزوا در میان بسیاری از کاربران گسترش یابد، و این موضوع حتی با بازگشت اینترنت هم کم‌رنگ نمی‌شود. اگرچه اینترنت دوباره برقرار شده و کسب‌وکارهای آنلاین به تدریج در حال به‌دست آوردن موقعیت‌های از دست رفته خود هستند، اما آسیب‌هایی که این قطعی به این بخش از اقتصاد وارد کرده، به آسانی جبران نمی‌شود. بسیاری از استارت‌آپ‌ها و کسب‌وکارهایی که به تبلیغات دیجیتال و تعامل آنلاین با مشتریان وابسته بودند، در این مدت شاهد کاهش چشمگیر فروش و خدمات بوده‌اند. اگرچه بازار به تدریج به حالت عادی باز می‌گردد، اما زمان و منابع زیادی برای بازسازی اعتبار و روابط تجاری از دست رفته نیاز است. به‌ویژه کسب‌وکارهایی که به شبکه‌های اجتماعی مانند اینستاگرام و تلگرام وابسته بودند، هنوز در تلاشند تا مشتریان از دست رفته خود را بازگردانند و بر فعالیت‌های تبلیغاتی خود تمرکز کنند.

ادامه در صفحه ۲

پاسخی به خلأ منابع علمی در حوزه بافت‌های تاریخی شهری؛

شهرشناسی استارباد



تادرباره کتاب «شهرشناسی استارباد» و نیز اهمیت چنین آثاری در فضای علمی و فرهنگی امروز بیشتر بدانیم.

در ابتدا درباره کتاب «شهرشناسی استارباد» بگویید؟

کتاب «شهرشناسی استارباد» اثر ماندگار یعقوب رشتیچیان، پژوهشگر و دانش‌آموخته ارشد معماری و شهرسازی است و محور آن دگرگونی‌های بافت شهری گرگان پیش از سال ۱۳۰۰ تا دهه ۱۳۵۰ خورشیدی و شهرسازی و معماری بومی استارباد و معماری سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ می‌پردازد. این اثر در بهار سال ۱۴۰۳ توسط نشر «در گلستان» در ۳۲۰ صفحه قطع رحلی به‌صورت مصور رنگی و با صفحه‌آرایی مریم قرغی و عکس روی جلد صابر مناجاتی روانه بازار نشر شد و نخستین بار با حمایت سازمان نظام‌مهندسی ساختمان استان گلستان

سید حسن حسینی نژاد- کتاب «شهرشناسی استارباد» با تمرکز بر شهر گرگان از شهرهای مهم تاریخی دارای بافت تاریخی و کهن و دارای اولین بافت تاریخی ثبت‌شده در کشور، تلاشی در راستای بازخوانی علمی و مستند ساختار شهری، تحولات تاریخی و ویژگی‌های فرهنگی، جغرافیایی و ریخت‌شناسی بافت کهن استارباد به شمار می‌آید. همچنین این کتاب را می‌توان از منظری گامی مؤثر در پیوند میان پژوهش‌های تاریخی، جغرافیای شهری و شناخت هویت بومی دانست. به همین بهانه، با مهلی تیرانی، هنرمند مؤلف گرگانی و مدیر نشر «در گلستان» که تا پیش‌ازین کتاب، از او یا به همت و همکاری‌اش، کتاب‌هایی با عناوینی چون گرگان (معرفی جاذبه‌های تاریخی و گردشگری)، مسافر گلستان، تاریخ معماری استان گلستان و آت اوغلان و ... روانه بازار نشر شده، به گفت‌وگو نشستیم

ادامه یادداشت اول

انزوای دیجیتال

بخشی از آسیب‌ها تنها محدود به کسب‌وکارهای خصوصی نمی‌شود. بسیاری از خدمات دولتی که به اینترنت وابسته هستند، مانند سامانه‌های بانکی، ثبت‌نام‌های آنلاین، و خدمات بیمه، در زمان قطعی دچار اختلال شدند. این مشکلات به‌ویژه برای افرادی که در مناطق دورافتاده زندگی می‌کنند و دسترسی به خدمات حضوری برایشان دشوار است، بسیار ملموس بود. اکنون این خدمات کاملاً به حالت طبیعی برگشته‌اند، اما شهروندانی که در این مدت از دسترسی به خدمات دولتی و بانکی محروم بوده‌اند، هنوز از مشکلات متعددی رنج می‌برند. یکی از تأثیرات منفی قطعی اینترنت، محدودیت در دسترسی به اطلاعات و اخبار مستقل بود. با اینکه اینترنت حالا دوباره وصل شده، اما بی‌اعتمادی عمومی نسبت به منابع خبری دولتی و رسانه‌های رسمی، در نتیجه این قطعی، به شدت افزایش یافته است. در این مدت، بسیاری از کاربران به جستجوی منابع خبری مستقل روی آوردند و این روند همچنان ادامه دارد. به‌ویژه در زمان‌هایی که بحران‌ها و ناآرامی‌ها در کشور شدت می‌گیرد، دسترسی به اطلاعات دقیق و صحیح اهمیت زیادی پیدا می‌کند و این قطعی بیشتر مردم را به سمت منابع غیررسمی سوق داده است. قطعی اینترنت تنها یک بحران مقطعی نیست. تأثیرات بلندمدت آن می‌تواند روند فرهنگی و اقتصادی ایران را تحت تأثیر قرار دهد. دنیای دیجیتال و کسب‌وکارهای آنلاین به سرعت در حال گسترش هستند و با توجه به اینکه ایران جزو کشورهای است که نیاز به رشد در این بخش دارد، قطعی اینترنت ممکن است روند دیجیتالی شدن کشور را به تأخیر اندازد. بسیاری از کارآفرینان و دانش‌آموختگان جوان، که در این مدت فرصت‌های زیادی را از دست دادند، ممکن است در بلندمدت به کاهش اعتماد به زیرساخت‌های دیجیتال کشور دچار شوند. اگرچه اینترنت پس از مدت‌ها قطعی دوباره وصل شده است، اما آثار این بحران همچنان در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ادامه دارد. کسب‌وکارهای آنلاین، همچنان با مشکلاتی در جذب مشتری و به دست آوردن جایگاه از دست رفته خود مواجه‌اند. از سوی دیگر، بسیاری از افراد هنوز در تلاش‌اند تا به حالت عادی ارتباطات اجتماعی خود بازگردند. در این میان، از آنجا که قطعی اینترنت بر اعتماد عمومی تأثیر گذاشته است، به نظر می‌رسد که بازسازی این اعتماد نیز زمان‌بر خواهد بود.

رئیس سازمان نظام صنفی رایانه‌ای کشور در مورد آثار اقتصادی قطعی اینترنت به‌طور واضح اشاره کرده است که روزانه بین ۲ تا ۳ هزار میلیارد تومان، اثر مستقیم این قطعی در اقتصاد کشور بوده است. این رقم تنها بخش کوچکی از تبعات گسترده‌ای است که این بحران در پی خود داشته است. علاوه بر آسیب‌های مالی مستقیم به کسب‌وکارها، قطع شدن اینترنت در حوزه‌های دیگری همچون کاهش اعتماد کاربران، تضعیف جایگاه ایران در رتبه‌بندی‌های بین‌المللی، و تأثیرات منفی بر روند مهاجرت نخبگان به کشورهای دیگر نیز اثرات ملموسی دارد. در حقیقت، قطعی اینترنت نه تنها به زیان بخش‌های خصوصی و دولتی، بلکه به تضعیف زیرساخت‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی کشور نیز منجر می‌شود. این بحران، عمق وابستگی ما به دنیای دیجیتال را به‌طور عینی نشان داده است و ضرورت توجه به بهبود و تقویت زیرساخت‌های اینترنتی و دیجیتال کشور را بیش از پیش آشکار می‌سازد. این بحران به ما یادآوری می‌کند که در دنیای امروز، اینترنت نه تنها یک ابزار ارتباطی، بلکه بخش مهمی از ساختار اقتصادی و اجتماعی جوامع مدرن است و قطع آن می‌تواند تبعات جدی‌تری از آنچه که تصور می‌شود به همراه داشته باشد.

ادامه تیر اول

در دفتر دوم کتاب نیز، مخاطبان با ویژگی‌های جغرافیایی و ریخت‌شناسی بافت کهن، شامل آب‌وهوا و معماری زیستگاهی، ویژگی‌های معماری بومی استاریاد همراه با چند نمونه برگزیده از خانه‌های بومی همراه با شهرسازی و معماری گرگان در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ (ساختمان‌های دولتی و مردمی) در کنار مکان‌های شهری و ساختمان‌های تاریخی ارزشمند، آسه تاریخی-فرهنگی بافت کهن و کتاب‌نامه مواجه می‌شوند.

کتاب حاصل بیش از ۱۰ سال تلاش مؤلف است؛ درباره مؤلف که زاده تبریز است و درباره گرگان نوشته بگوید.

یعقوب رشتچیان متولد ۱۳۳۱ در تبریز، ورودی سال ۱۳۵۰ (دوره دوازدهم معمارملی) دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه ملی است که در حوزه پژوهش، معماری و شهرسازی مطالعات بسیاری انجام داده‌اند. همسر آقای رشتچیان گرگانی است و همان‌طور که در مقدمه این کتاب نیز به آن اشاره کرده‌اند، جناب رشتچیان از آغاز زندگی زناشویی که نزدیک به نیم‌قرن است، در چارچوب پیوندهای خویشاوندی با شهر گرگان سر و کار داشته‌اند. از سویی دیگر هسته کهن شهر گرگان دربرگیرنده یکی از ارزنده‌ترین بافت‌های شهری تاریخی کشور است و در هم پیچیدگی این دو رشته پیوند، یکی از خروجی‌هایش این کتاب علمی و کاربردی است. مؤلف و کتاب هدفش تاریخ‌نگاری نیست؛ درنتیجه پژوهش شهر شناختی استاریاد، در فراسوی نگارش تاریخ یا تاریخچه شهر در چارچوب رویکرد تاریخ نگارانه، بر آن است که چندوچون پیدایش و شکل‌گیری شهر استاریاد (هسته کهن گرگان امروزی) و گسترش بافت شهری و فرآیند دگرگونی‌های کالبدی-کارکردی شهر گرگان تا نیمه نخست سده ۱۳۰۰ را از دیدگاهی شهر شناختی بررسی کند.

«شهرشناسی استاریاد»، دربرگیرنده دو کتاب و دفترهایی است؛ درباره این پیکره‌بندی بگوید.

همان‌طور که اشاره داشتید، متن این پژوهش در برگیرنده دو کتاب است. کتاب یکم ۲ دفتر دارد. دفتر یکم با درآمدی بر تاریخ استاریاد آغاز می‌شود و در پی آن ویژگی‌های شهر از گذشته دور تا آغاز سده ۱۳۰۰ خورشیدی، در ۱۰ بخش بررسی می‌شود و دفتر دوم دربرگیرنده ۶ بخش است و چندوچون دگرگونی بافت شهری گرگان را بررسی می‌کند. کتاب دوم، دربرگیرنده دفتر سوم، ۴ بخش دارد. در این دفتر نخست ریخت‌شناسی بافت تاریخی شهر استاریاد و ویژگی‌های معماری بومی آن در سنجش با ویژگی‌های سرزمینی و آب‌وهوا و سپس شهرسازی و معماری شهر گرگان در سال‌های زمامداری پهلوی یکی بررسی‌شده است. ساختار متن پژوهش استوار بر الگویی است که در آن، چکیده و برآیند بررسی انجام‌گرفته در هر بخش از پژوهش، در نگاره یا نگاره‌هایی پایان همان بخش نشان داده شده است. به دیگر سخن، متن نوشتاری هر بخش کالبدشناسی موشکافانه نگاره یا نگاره‌های پایانی آن است.



در کتاب آمده که بر پایه شماری از متن‌ها، قدمت سالن اکران فیلم به دهه‌های نخستین سده ۱۳۰۰ می‌رسد و در سطر یادی می‌شود از استاد بزرگ فقید موسیقی کشورمان محمدرضا لطفی که در سال‌هایی که دانش آموز دبستانی بود (در سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۷) گرگان سینمایی به نام دینا (دایانا) داشت

بله موافقم، به‌عنوان نمونه در صفحاتی مخاطبان با نخستین مکان ورزشی نوین گرگان، نخستین آموزشگاه دخترانه گرگان و دانش‌سرای مقدماتی و یا زمین‌لرزه فروردین ۱۳۳۳ گرگان آشنا می‌شوند. همچنین با پیشینه سالن سینما و نمایش همگانی فیلم در گرگان آشنا می‌شوند. مثلاً در کتاب آمده که بر پایه شماری از متن‌ها، قدمت سالن اکران فیلم به دهه‌های نخستین سده ۱۳۰۰ می‌رسد و در سطر یادی می‌شود از استاد بزرگ فقید موسیقی کشورمان محمدرضا لطفی که در سال‌هایی که دانش‌آموز دبستانی بود (در سال‌های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۷) گرگان سینمایی به نام دینا (دایانا) داشت.

در کنار معماری شهری و ساختمان‌های دولتی تاریخی، معرفی ساختمان‌های تاریخی مردمی نیز در کتاب قابل توجه است، در پایان این گفت‌وگو درباره آن‌ها بفرمایید؟

با توجه به متن کتاب، بنیادی‌ترین دگرگونی در معماری ساختمان‌های زیستگاهی گرگان در سال‌های پس از ۱۳۰۰ است و مؤلف ضمن تشریح ویژگی‌های معماری و بصری این خانه‌ها، به‌صورت مفصل به معرفی خانه‌های مردمی در گرگان همچون خانه‌های دارویی، شایگان، شفیع استرآبادی، فاطمی، شیرنگی، قدس مفیدی و ... پرداخته که ازجمله بخش‌های خواندنی کتاب به شمار می‌رود. در پایان جا دارد اشاره‌کنم در کنار توجه ویژه‌ای که از حدود بیش از یک دهه پیش به بافت و بناهای تاریخی استرآباد معطوف شده بود، جای خالی یک منبع علمی، فنی و جامع در این حوزه حس می‌شد که انتشار این کتاب قدمی در مسیر پر کردن این خلأها است. هرچند در طی این سال‌ها پژوهش‌های زیادی در این حوزه انجام شده و پایان‌نامه‌های متعددی هم نوشته شده، اما انتشار کتاب‌های تخصصی و علمی آن‌هم توسط افراد متخصص به نظر توجه‌های بیشتری را به خود جلب می‌کند و ماندگارتر است و امیدوارم بتوانیم در این راه ثابت‌قدم بمانیم. به گزارش ایبنا، گرگان دارای اولین بافت تاریخی ثبت‌شده در کشور است که ثبت آن به تاریخ ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ می‌رسد. همچنین بافت تاریخی گرگان با ۱۶۲ هکتار وسعت، اولین بافت تاریخی ثبت شده در کشور و دارای معماری و بافتی کاملاً منحصر‌به‌فرد است. سکتاب «شهرشناسی استاریاد»، نامزد چهل‌وسومین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران است.

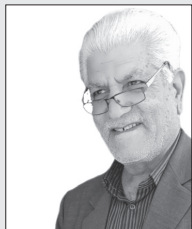
در دل کتاب با نگاره‌هایی از شهر گرگان مواجه هستیم که قابل توجه است، نگاره‌ها چگونه شکل گرفتند؟

حاصل پیمایش‌های میدانی و برداشت‌های کارکردی-کالبدی در گستره بافت تاریخی شهر، نگاره‌های چندگانه‌ای است که در جای‌جای متن این پژوهش گنجانده شده است. این نگاره‌ها، که فرآوری آن‌ها زمان و نیروی کار بسیار هنگفتی برده است، با ریزبینی بایسته، برای نخستین بار و در چارچوب همین کار پژوهشی پدید آمده و همانندی ندارد و آن‌ها را باید نخستین دستاورد ارزنده این پژوهش باید به شمار آورد. این نگاره‌ها برای نمایش شکل و اندازه، سازمان فضایی و ساختار کالبدی هسته تاریخی شهر و دگرگونی‌های آن در نیمه نخست سده ۱۳۰۰ فرآورده شده است. به گفته دیگر، کارکرد نگاره‌ها، از یک‌سو بازآفرینی شهر استاریاد (هسته تاریخی گرگان امروز) با ویژگی‌های کالبدی پیش از سده ۱۳۰۰ آن و از سوی دیگر، بازنمایی دگرگونی‌های ساختاری کارکردی آن در بازه زمانی یادشده است. از این دیدگاه، نگاره‌های این پژوهش از ارزشی برابر با متن نوشتاری آن و چه‌بسا بیشتر برخوردار است. نخستین کوشش مؤلف برای فرآوری نگاره‌های از هسته تاریخی شهر گرگان، به سال ۱۳۸۵ می‌رسد. ویرایش چندبازه نگاره‌های فرآوری شده با بهره‌گیری از نگاره‌های هوایی سال‌های گوناگون و سرانجام ویرایش پایانی آن‌ها بر روی نگاره هوایی سال ۱۳۴۵، همراه با افزودن یافته‌های تازه به آن تا زمستان سال ۱۳۹۱ به نقل از مؤلف به درازا کشید اما به معنای پایان کار بر روی نگاره‌ها نبود. همچنین در سراسر زمان بیش از ۲ ساله (از نیمه مردادماه ۹۲ تا نیمه مهرماه ۹۴) نوشته شدن متن پژوهش، پاره‌ای از نگاره‌ها، خواه با دست یافتن به آگاهی‌های نویافته و یا برای همخوانی هرچه بیشتر با متن، چند بار ویرایش شده و شماری نگاره دیگر نیز فرآوری و به پژوهش افزوده شده است.

«شهرشناسی استاریاد»، در کنار ارائه نقشه‌ها و مطالبی درباره معماری شهری و خانه‌های تاریخی به برخی داشته‌های فرهنگی و هنری اشاره کرده که برای فعالان این حوزه‌ها آموزنده و کاربردی است، نظر شما چیست؟

«

بازنگری در حذف کالابرگ دهک‌های بالا



محمود رحیمی

اظهار نظر یکی از نمایندگان مجلس درباره حذف کالابرگ دهک‌های هشت، نه و ده در جریان بررسی بودجه ۱۴۰۵، بار دیگر بحث عدالت یارانه‌ای و نسبت آن با شرایط دشوار معیشتی جامعه را به صدر گفت‌وگوهای اقتصادی

بازگرداند؛ تصمیمی که موافقان آن را گامی در جهت هلفمندی حمایت‌ها می‌دانند و منتقدان، آن را نیازمند بررسی دقیق‌تر پیامدهای اجتماعی و اقتصادی می‌شمارند. در جلسه بررسی و تصویب بودجه سال ۱۴۰۵، طرح حذف کالابرگ دهک‌های هشت، نه و ده از سوی یکی از نمایندگان مجلس مطرح شد؛ پیشنهادی که در نگاه نخست با منطق «هلفمندسازی یارانه‌ها» قابل توضیح است، اما در بستر شرایط اقتصادی فعلی، پرسش‌های مهمی را درباره زمان‌بندی، شیوه اجرا و پیامدهای اجتماعی آن ایجاد می‌کند. اقتصاد ایران طی سال‌های اخیر با تورم مزمن، کاهش قدرت خرید و افزایش هزینه‌های سید معیشت خانوار روبه‌رو بوده است. گرانی کالاهای اساسی، رشد هزینه مسکن، درمان و آموزش، فشار قابل توجهی بر اقشار مختلف وارد کرده و حتی طبقه متوسط را نیز با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. در چنین فضایی، هرگونه تغییر در نظام حمایتی دولت، حساس و اثرگذار خواهد بود. منافعان حذف کالابرگ دهک‌های بالاتر استدلال می‌کنند که منابع محدود بودجه‌ای باید به سمت دهک‌های کم‌درآمدتر هدایت شود و تلاوم پرداخت یارانه به دهک‌های برخوردار با عدالت توزیعی سازگار نیست. این استدلال از منظر نظری قابل دفاع است؛ چرا که فلسفه نظام‌های حمایتی، تمرکز بر اقشار آسیب‌پذیر است. با این حال، پرسش اساسی اینجاست که آیا شاخص‌های

به پزشک‌های خواستار تغییر نظام یا براندازی بودند و یا هستند؟ در حالی که ذات اصلاح‌طلبی معطوف به اصلاح فرایندها و روش‌ها است. نماد عینی این رویکرد تحولی اصلاح‌طلبان را پس از دوم خرداد ۷۶ می‌بینید که علیرغم آسیب‌های سنگینی که بر اصلاح‌طلبان وارد شد، اما موفقیت‌های سترگ ملموسی برای جامعه به ارمغان آوردند، که فضای نسبی آزادی ایجاد شده امروز امکان نوشتن همین قدر اعتراض برای منتقدان فراهم آمده، پیش از حماسه دوم ۷۶ مُحال بود. به صراحت بگوییم راه اصلاح‌طلبی و انتخاب پزشک‌های هدفش اصلاح حاکمیت است، نه سرنگونی حاکمیت. (چیز غیبی نیست که برخی مدعی کاشف آن شده‌اند!). واقعیت پیش از حماسه دوم ۷۶ شاهد خیلی چیزهاست. اگر کمی بررسی و یادآوری کنیم به راحتی قابل درک است که مخالفان امروز اصلاح‌طلبی، هر دو شقش چه فاشیست‌های واپسگرا و چه آنارشیست‌های مطلق‌نگر خود در شکل‌گیری آن انسداد سیاسی مطلق پیش از دوم خرداد ۷۶ سهم بسزایی داشتند. ۲- ذات اصلاح‌طلبی همان‌طور که اشاره کردید، در گفتمان رسمی و رفتار عینی خواهان اصلاح در چارچوب نظام موجود از طریق سازوکارهای قانونی مانند؛ انتخابات، نهادهای مدنی، مطبوعات و غیره هستند. هدف آنان نه نفی جمهوری اسلامی، بلکه اصلاح کاستی‌ها، افزایش مشارکت مردمی و بهبود حکمرانی است. وقتی اصلاح‌طلبان در انتخابات تحت نظارت نهادهای موجود (شورای نگهبان)، شرکت می‌کنند، عملاً به مشروعیت فرایندهای سیاسی نظام پایبند هستند، این همان نکته‌ای است که به تحکیم جمهوری اسلامی اشاره دارد. اما این به معنای تأیید همه جانبه، همه وضع موجود، قطعاً نیست، بله می‌تواند استراتژی برای تغییر از درون تلقی شود. اما نباید به فاشیست‌های آنارشیست توهم زده و پوچ‌گرا فرصت هرج و مرج داد. ۳- اصلاحات دستاوردهای غیرقابل انکاری را طی ساله‌های ۱۳۸۴-۱۳۷۶، به وجود آورد و پایه‌گذاری و نهادهای آن، فضای نسبتاً بازتری در عرصه مطبوعات، جامعه مدنی و گفتمان سیاسی ایجاد نمود. ظهور گسترش مطبوعات منتقد و آزاد، ایجاد نهادهای مدنی احزاب و گروه‌ها و تلطیف فضای جهانی گفت‌وگوی تمدن‌ها و تعامل با دنیا از نمونه‌های بارز آن است. همه این‌ها برای نسلی که پیش از دوم خرداد ۱۳۷۶ که تنها گفتمان رسمی آن زمان را تجربه کرده بود، آزادی فرخنده محسوب می‌شود. اما اصلاحات هرگز خود را در چارچوب قدرت نهادهای غیرانتخابی مانند: شورای نگهبان، قوه قضائیه، نهادهای امنیتی و غیره محصور نکرد. و تحت فشارهای شدیدی همچون حادثه کوی

دهک‌بندی به اندازه کافی دقیق و به‌روز هستند تا بتوانند مرز روشنی میان برخوردار و آسیب‌پذیر ترسیم کنند؟ واقعیت آن است که در دهک‌های هشتم و نهم نیز گروه‌هایی مانند برخی بازنشستگان، کارمندان و حقوق‌بگیران حضور دارند که اگرچه در طبقه کم‌درآمد تعریف نمی‌شوند، اما با توجه به تورم سال‌های اخیر، با محدودیت‌های جدی معیشتی دست و پنجه نرم می‌کنند. کاهش یا حذف حمایت‌های کالابری برای این گروه‌ها، بدون طراحی سازوکارهای جبرانی، می‌تواند بر احساس بی‌ثباتی اقتصادی بیافزاید. از سوی دیگر، تجربه اصلاحات اقتصادی گذشته نشان داده است که هرگونه «جراحی» در حوزه یارانه‌ها، اگر با اقتناع افکار عمومی، شفافیت آماری و پیش‌بینی تبعات اجتماعی همراه نباشد، ممکن است با واکنش‌های منفی روبه‌رو شود. حذف ارز ترجیحی و پیامدهای توری آن هنوز در ذهن بخش‌هایی از جامعه باقی است و همین پیشینه، حساسیت نسبت به تغییرات جدید را افزایش داده است. در این میان، مجلس و دولت در برابر یک مسئولیت مشترک قرار دارند: ایجاد توازن میان انضباط مالی و حفظ آرامش اجتماعی. تصمیم‌های بودجه‌ای صرفاً اعداد و جداول نیستند؛ بلکه مستقیماً با سفره مردم و احساس امنیت اقتصادی آنان پیوند دارند. بنابراین، هر پیشنهاد یا مصوبه‌ای باید با ارزیابی دقیق آثار کوتاه‌مدت و بلندمدت همراه باشد. نکته مهم دیگر، بهره‌گیری از ظرفیت نخبگان دانشگاهی

دانشگاه در ۷۸، تعطیلی کثیری از روزنامه‌ها در ۷۹، حادثه قتل‌های زنجیره‌ای، محاکمه و زندانی و رد صلاحیت گسترده شخصیت‌ها مواجه شد. این نشان می‌دهد جریان اصلاحات و اصلاح‌طلبی زنده و پویا است و راه و روش خاص خودش را در جهت نهادینه و روند افکار عمومی می‌پیماید. ۴- راه اصلاح‌طلبی، هر چند با تقویت مشروعیت نظام، از طریق مشارکت در ساختار محدودکننده همراه است، اما کنار گذاشتن فرایند اصلاحات و عبور از آن، جامعه را به سمت انسداد مطلق و سرکوب بی‌حد و مرز می‌راند؛ چرا که حتی آزادی حداقلی ناشی از همین مشارکت مانند: فضای نقد نسبی، مطبوعات نیمه‌باز، یا گزارش‌های افشاگرانه‌ای و چون عملکرد دولت پزشک‌های برای بقای زیر ساخت‌های تغییر — شامل رشد جامعه مدنی، آموزش سیاسی، و آگاه‌سازی— ضروری است. ۵- انتخاب غیر پزشک‌های یعنی انتخاب جلیلی و خالص سازی و اوج اختناق فکری و انسداد مطلق دگراندیشی و تفکیک طبقات انسانی (واقعا چگونه برخی انتظار دارند که پس از انتخاب جلیلی جامعه بسوی آزادی پر خواهد کشید! و فضای مساعدی برای تغییرات بنیادی مهیا خواهد شد!) تجربه دوران احمدی نژاد کافی نیست؟ یا خودشان را به خواب می‌زنند؟! و اینک طبل مخالفت با انتخابات و انتخاب دکتر پزشک‌های را می‌نوازند؟ ۶- مخالفت و ژست ظاهری — برخی دوستان با سابقه خدمت در همین نظام — با نظام جمهوری اسلامی، بیش از آنکه متوجه ساختار حکومت باشد، عملاً به ضدیت با جامعه و مردم گرایش دارد. این جریان‌ها در پی تحقق اوهام و خیالات خود می‌کوشند تا جامعه ایران را به سوی خشونت‌طلبی و اوج‌گیری فاشیستی سوق دهند. نمونه‌های عینی این روش‌ها را می‌توان در سرنوشت لیبی، سوریه، افغانستان و اخیراً در ونزوئلا مشاهده کرد که نتیجه‌ای جز فروپاشی نظم اجتماعی و رنج مردم نداشته و نخواهد داشت. ۷- اگر این دوستان مخالفان مذکور، ادعای دلسوزی برای جامعه و مردم را دارند، این ادعا تنها زمانی معنا دارد که از فراز به دیگران ننگرید، از سقف آسمان کمی پایین بیایید نه اینکه از برج عاج تصور برتری نسب به دیگران و مردم بکنند و صرفاً خودشان را اهل فهم و درک پندارند و بقیه افراد دلسوز جامعه را حامی وضع موجود و مقصر قلمداد کنند، حال آنکه خودشان از دهه‌های قبل در خدمت همین نظام جمهوری اسلامی بودند تا آخرین لحظه فرا رسیدن به بازنشستگی مشغول بکار بودند. (گویا عملکرد خودشان را به فراموش سپردند. به تازگی از آسمان به زمین ایران آمدند!)

و اقتصاددانان مستقل در فرآیند تصمیم‌سازی است. دانشگاه می‌تواند با ارائه تحلیل‌های مبتنی بر داده، به اصلاح نظام دهک‌بندی، شناسایی دقیق گروه‌های نیازمند و طراحی سیاست‌های جایگزین کمک کند. گفت‌وگوی مستمر میان سیاست‌گذاران و جامعه علمی، احتمال خطا در سیاست‌های حمایتی را کاهش می‌دهد. در نهایت، مسئله اصلی نه صرفاً حذف یا عدم حذف کالابرگ دهک‌های هشت، نه و ده، بلکه چگونگی طراحی یک نظام حمایتی کارآمد، عادلانه و پایدار است. اگر هدف، کاهش فاصله طبقاتی و تقویت عدالت اجتماعی است، این هدف تنها با تصمیم‌های مقطعی محقق نخواهد شد؛ بلکه نیازمند برنامه‌ای جامع برای مهار تورم، رشد تولید، اصلاح ساختار بودجه و افزایش بهره‌وری اقتصادی است. جامعه امروز بیش از هر زمان دیگری نیازمند ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و امید به آینده است. سیاست‌های حمایتی نیز باید در همین راستا طراحی شوند؛ به گونه‌ای که هم منابع ملی به شکل عادلانه توزیع شود و هم احساس امنیت اقتصادی در میان اقشار مختلف تقویت گردد. تصمیم‌گیری درباره کالابرگ، آزمونی دیگر برای سنجش میزان هماهنگی میان عدالت بودجه‌ای و واقعیت‌های معیشتی مردم است.

فعال رسانه‌ای

۸- برای نسل جدید(نسل Z) ؛ دولت، حکومت، ایدئولوژی، شخصیت‌ها و حتی الگوهای اندیشه‌ورزی نه تنها بی‌اهمیت است، که بودن یا نبودنشان اساساً برای آن‌ها معنایی ندارد. اولاً آنچه می‌خواهند را بی‌واسطه به‌دست می‌آورند، چون خواسته‌های آنها سهل الوصول است و دوما هیچ حاکمیتی قادر نیست آنان را در قید چارچوب‌های عقیدتی یا سازوکارهای قدرت محدود کند (همان‌طور که عیناً طی چند سال اخیر دیدیم). بنابر این، پس نسل جدید دغدغه‌اش ساختار سیاسی نبوده و نیست. جنجال‌های اخیر حول تغییر حکومت و حاکمان، بیش‌تر مربوط به نسلی است که خود روزی افراط‌گری پیشه کرد و اکنون در میانسال‌ی و پیری، زخم‌خورده از عذاب وجدان، به جای توبه، دوباره به آنارشیست رادیکال (در هیئت ضمیر خویش) پناه برده است. و باز تولید خشونت در ذات این نسل قدیم ریشه دارد؛ گویی آنان در روش پیشین خود منجمد مانده‌اند. حال آن که سیر طبیعی انسانی حکم می‌کند که فرد با افزایش سن، از تندروی به سمت محافظه‌کاری و حفظ وضع موجود حرکت کند. نه اینکه پشت نسل جدید بی‌گناه سنگر بگیرند و آنها را به مسلخ خودخواهی‌های خویش بفرستند. ۹- اصلاح‌طلبان در سه دهه اخیر علی‌رغم پرداخت هزینه‌های سنگین (از بازداشت، زندان، حصر، محدودیت‌های رسانه‌ای و اجتماعی و رد صلاحیت تا تبعید) به موفقیت زیادی جهت دستیابی در آگاهی بخشی و تحولات فکری جامعه دست یافتند، ولی همواره میان دو جریان افراطی تحجر سنتی مردم‌ستیز و نهیلیسم سکولار حاکمیت‌ستیز گیر افتاده‌اند؛ این دو نیرو— با وجود تضاد ظاهری—با حذف گفتمان اعتدال و صلح‌طلبی، فضای اصلاحات تدریجی را تنگ‌تر و محدود کرده‌اند، اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد که اصلاحات مسالمت‌آمیز، هر چند کند، در بلند مدت بسیار تأثیر گذاتر از هر حرکت کور خشونت آنارشیستی سکولاریسم یا رادیکالیسم تحجر بسیار خوب درخشیده است. و اما با این حال، علیرغم بحران‌ها و مشکلات کلان اقتصادی و سیاسی ناشی از عوامل موثر داخلی و خارجی در کشور، اصلاح‌طلبان در انتخابات حضور یافتند؛ مورد اقبال اکثریت شرکت‌کنندگان قرار گرفتند، مسئولیت اجرایی را پذیرفتند و در برابر مردم سر تعظیم فرود آوردند، این کجا و آن نگاه خشونت‌بار ویرانگر عده‌ای که خشم رادیکالیسم و تعصب نهیلیستی بر آن‌ها چیره شده است، کجاست؟ این ره که تو می‌روی به ترکستان است. به امید ایران آزاد و سربلند.

دانش آموخته علوم سیاسی

«

از کیمیای اصلاحات تا مهار واپسگرایی



محمد نادری ملکشا

اصلاح‌طلبی اصیل، هر روش و شیوه‌ای را برای دستیابی به قدرت، که متکی بر خشونت باشد را نه تنها به شدت طرد و رد می‌کند، بلکه از آن تنفر و انزجار می‌جوید و بر همین اساس، اصلاح‌طلبی اصیل نسبت به گروه‌ها و جریان‌هایی که تلاش دارند با روش‌های آنارشیستی، جامعه را به سوی ویرانی فاشیستی سوق دهند و آن را از طریق بحران‌زایی مخرب به ناکجا آباد برسانند، حتی بیش از وضع موجود — با همه محدودیت‌های آن — بی‌بازاری شدیدتری احساس می‌کند. انتخاب دکتر پزشک‌های توسط اصلاح‌طلبان روش مسالمت‌آمیز و صلح‌جویانه بود که مرحله به مرحله ایران را بهتر بسوی آزادی با حفظ تمامیت ارضی و استقلال هدایت کرد. این ادعا که انتخاب دکتر پزشک‌های و پیگیری راه اصلاح‌طلبی، باعث تحکیم هیئت حاکمه جمهوری اسلامی شد پس این مسیر، ضد مردم و باطل است! بیش از آنکه منطقی و بر مدار استدلالی مستحکم استوار باشد، نشانه خشم فرو خفته، قهر کور، عصبیت توهم زده و خشونت پنهان مدعیان مذکور است. چنین تحلیلی بیش از آنکه دغدغه وضعیت فعلی مردم را داشته باشد، در عمل نوعی همسویی با جریان تمامیت‌خواه تحجر سنتی تندروی واپسگرا محسوب می‌شود، زیرا: ۱- فرض کنیم انتخاب دکتر پزشک‌های و پیگیری راه اصلاح‌طلبی و اصلاحات، واقعا به تحکیم هیئت حاکمه جمهوری اسلامی انجامیده باشد. پرسش بنیادین این است: چرا تصور می‌کنید؟ اصلاح‌طلبان و رأی‌دهندگان

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون
تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند
رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

بخش یک

ردیف ۱- کلاسه ۰۰۰۲۳۳۸۴۱۲۰۰۱۷۴۱۵۰۳۱ تقاضای آقای نورالله تازی که به شماره شناسنامه ۱۵ و کد ملی ۷۹۵۹۰۲۱۲۲ فرزند غلام رضا در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۶۹۳ مترمربع از پلاک شماره ۱۳۵۷ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از اعزاز مالکیت متقاضی شهری ردیف ۲- کلاسه ۰۰۰۶۵۷۱۲۸۴۱۵۰۱۱۴۱۴۰۱۰۱۴۱ تقاضای خانم الناز غلام محبی به شماره شناسنامه ۴۶۱ و کد ملی ۷۳۶۱۳۹۲۲۰ فرزند میرزا علی در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۴،۱۵ مترمربع از پلاک شماره ۴ فرعی از ۱۵۰۵ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از اعزاز مالکیت متقاضی شهری ردیف ۳- کلاسه ۰۰۰۶۳۸۲۸۴۱۵۰۱۱۴۱۴۰۱۰۱۴۱ تقاضای خانم آذربیکم دادور به شماره شناسنامه ۴۱۷ و کد ملی ۷۵۴۵۲۲۱۲۱۲۱ فرزند سیدکاظم در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۱۴۴،۵ مترمربع از پلاک شماره ۴ فرعی از ۱۵۰۵ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از اعزاز مالکیت متقاضی شهری ردیف ۴- کلاسه ۰۰۰۱۸۸۱۴۸۴۱۵۰۱۱۴۱۴۰۱۰۱۴۱ تقاضای آقای یاسر اسدی به شماره شناسنامه ۲۱۲ و کد ملی ۷۳۱۳۳۱۳۲۱۲۱ فرزند غلامرضا در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۳۸۱،۸۸ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۱۰ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۵- کلاسه ۰۰۰۱۵۷۰۱۵۷۴۱۵۰۱۱۴۱۴۰۱۰۱۴۱ تقاضای آقای مصیب نصیرپور به شماره شناسنامه ۴۷۵ و کد ملی ۱۵۵۶۳۷۳۱۸۱۵۵۶ فرزند محمدحسن در ششداگ اینانی یک قطعه زمین با بنای احداثی که ششداگ عرصه آن توسط مساحت ۲۴،۵۵ مترمربع از پلاک شماره ۱۵۱- اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۶- کلاسه ۰۰۰۱۲۸۲۱۲۸۴۱۵۰۱۱۴۱۴۰۱۰۱۴۱ تقاضای خانم ماه بیگم سیماهی به شماره شناسنامه ۲۸۲۴۸ و کد ملی ۷۸۳۱۸۹۲۸۳۱۰۸۷۰ فرزند فتاح در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۴۷،۱۸ مترمربع از پلاک شماره ۴ فرعی از ۱۹۳۴ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۷- کلاسه ۰۰۰۵۵۲۱۴۸۴۱۵۰۱۱۴۱۴۰۱۰۱۴۱ تقاضای آقای قاسم لورسجی به شماره شناسنامه ۵۰۴ و کد ملی ۷۵۶۷۱۲۱۲۲۲۲۲ خلیل در ششداگ اینانی یک قطعه زمین با بنای احداثی که ششداگ عرصه آن وقف است بمساحت ۲۰،۱۰ مترمربع از پلاک شماره ۶۶۳- اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد.

ردیف ۸- کلاسه ۰۰۰۰۶۲۲۰۰۱۱۴۱۴۰۱۰۱۴۱ تقاضای آقای سیدعباس موسویان به شماره شناسنامه ۶۷ و کد ملی ۷۲۶۹۲۳۶۱۰۲۹۹۹۹ فرزند سیدارضا در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی بمساحت ۲۴،۹۵ مترمربع از پلاک شماره ۳۵۹۹ - اصلی واقع در اراضی شهری بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی شهرداري به متقاضی دارد.

ردیف ۹- کلاسه ۰۰۰۰۲۵۶۱۲۸۴۱۵۰۱۱۴۱۴۰۱۰۱۴۱ تقاضای آقای ابراهیم احمدی به شماره شناسنامه ۵۷۰ و کد ملی ۱۰۴۵۲۱۳۱۳۱۲۱۲۱ فرزند حسین در ششداگ یک قطعه زمین با بنای احداثی که ششداگ عرصه آن توقاست بمساحت ۲۰۹،۱۵ مترمربع از پلاک شماره ۳۷۵۰- اصلی واقع در اراضی شهری اراضی قدس رضوی بخش یک حوزه ثبت گران طبق رای صادره حکایت از اعزاز مالکیت متقاضی دارد.

بخش دو

[illegible]

کشمیر

[illegible][illegible]

[illegible]

رديف ۱۴۸- کلاسه ۱۴۰۵۱۱۴۱۲۰۰۱۰۰۰۹۹۰ تقاضای آقای ناصر صفار به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۲۴۹۷۷۳۳۹ فرزند علی اکبر در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۱۶۷ مترمربع از پلاک شماره ۲۰۲ فرعی از یک اصلی واقع در اراضی زیارت بخش چهارمحال جنوب غربی گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. رديف ۱۴۹- کلاسه ۱۴۰۵۳۱۱۴۱۲۰۰۱۰۰۰۲۰۸۱ تقاضای آقای محمد تجری به شماره شناسنامه و کد ملی ۲۱۱۰۳۷۱۲۶۹ فرزند ولی الله در ششدانگ یک قطعه باغ بمساحت ۴۴۲,۳۸ مترمربع از پلاک شماره ۷۱۹ فرعی از یک اصلی واقع در اراضی زیارت بخش چهارمحال جنوب غربی گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. رديف ۱۵۰- کلاسه ۱۴۰۵۳۱۱۴۱۲۰۰۱۰۰۱۳۴۹ تقاضای خانم رحیمه ارامندی به شماره شناسنامه ۸۶۵ و کد ملی ۱۲۱۳۱۰۱۶۶ فرزند حسین در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۲۴۷,۰۶ مترمربع از پلاک شماره ۴۱۶ فرعی از یک اصلی واقع در اراضی زیارت بخش چهارمحال جنوب غربی گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی نادعلی سلطانپور به متقاضی دارد. رديف ۱۵۱- کلاسه ۱۴۰۵۳۱۱۴۱۲۰۰۰۰۹۷۱ تقاضای آقای غلامحسین عباسی شاهکوه به شماره شناسنامه ۱۸ و کد ملی ۲۱۲۳۳۲۱۴۹۰ فرزند مهدی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی مساحت ۲۶۶,۴,۶۰ مترمربع از

آگهی مزایده کتبی فروش زمین (مرحله دوم)

تا ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخه ۱۴۰۴/۱۲/۳ از طریق سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) به آدرس: www.setadiran.ir می باشد.

محمد علی آزادی کناری - شهر دار بندرگز - شناسه آگهی ۲۱۲۸۰۰۳

و جنگ. در زمین‌لرزه‌های ویران‌گر بوئین‌زهر (۱۳۴۱)، طیس (۱۳۵۷)، منجیل (۱۳۶۹)، و بم (۱۳۸۲)، سوگ گرچه همگان را در خود فروبرده بود، تکاپوی انبوه مردم برای گردآوری پیکر جان‌باختگان و یاری رساندن به زیر آوار ماندگان، راه‌هایی از سوگ را نشان می‌داد. خاموشی به جنبش هم‌یاری و بازسازی می‌گرایید. امید از تخته‌بند پیکرها بیرون می‌زد. در رخ‌دادهای ۱۳۵۷، برخورد با سوگ به شعله‌ور شدن فریادها یاری رساند. در جنگ نیز دامنه‌ی سوگ، هم‌آهنگ با نگرش چیره‌ی آن روزها بسته ماند. در همه‌ی این آزمون‌ها، پی‌آمدهای سوگ بر سوگ‌واری هم‌چون رخ‌داد چیره بود. اما این‌بار، سوگ جان دادن جوانان به گونه‌ی دیگری است. خاک سرد همه جا را فراگرفته است، گویی بازماندگان همگی به بیرون زمان پرتاب شده‌اند:

هیچ‌کس

با هیچ‌کس

سخن نمی‌گوید

که خاموشی

به هزار زبان

در سخن است.

(ابراهیم در آتش)

امید از زندگی پر کشیده است. هزارپارگان در تنهایی دردناکی فرورفته‌اند. صداهای پیرامونی، هرچه بلندتر، گنگ‌تر؛ و هرچه رساتر، نادریافتنی‌تر. اما درست در

سخن، خاطره، یادگارها، همگی نشانه‌ی درنگ در رخ‌داد و جست‌وجوی پناه است. گذشته، سرنیاه است. دومین گام برای بازگشت به زندگی، معنا بخشیدن به زندگی است. مرگ، زندگی را از معنا تهی می‌کند. سوگ‌واری به سرآوردن در بی‌معنایی است. جنبش، رقص، دست زدن، پوشیدن دیبای سپید در ناسازگاری با جامه‌ی سوگ‌واری، نشانه‌های ایستادگی در برابر بی‌معناشدگی زندگی است. گام دیگر برای بازگشت، «گذر» از اکنون است. اکنون، سرشار از نشانه‌های نبودن، آکنده از درد و ناامیدی است. نگاه به آینده، درآمد گذر از اکنون است. با فراوی از نمادهای اکنون، معنای سوگ رو به گسترش می‌گذارد. چارچوب نهادینه‌ی سوگ، شکاف برمی‌دارد، پیوند میان بازماندگان و جان‌باختگان از نو ساخته می‌شود. گزاره‌ی «تو برو، من می‌آیم»، در نگاه به گذشته، نشانه‌ی افتادگی بر خاک و بی‌کنشی است، اما در نشانه‌گذاری آینده، به کنشی «نویدبخش» می‌گراید. گذشته به آینده می‌پیوندد. «نوید» سخنی رو به آینده است، سخن رستاخیزی است. سوگ از تکه‌های پراکنده به زنجیره‌ی گسترده‌ی معنا فرامی‌رود، از گذشته به آینده، از تباهی به دگرگونی. شیوه‌های تازه‌ی سوگ‌واری با همه‌ی این کرختی‌ها، نشانه‌های امید و دگرگونی را بازنمایی می‌کنند.

پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی

«

تو برو، من می‌آیم! در چله‌ی سوگ

برنیاید ز کشتگان آواز

هادی راشد

مرگ هزاران جان جوان در دی‌ماه، روان هزارپاره‌ی میهن را برای همیشه سوگوار کرد. مگر نه این که در آفرینش، همه از یک گوهر ایم. نام‌شان زمزمه نیمه‌شب مستان باد! (در کوچه باغ‌های نشاپور)
ایرانیان در سده‌ی گذشته، سوگ همگانی را بارها آزموده‌اند: در زمین‌لرزه‌ها، خون‌ریزی‌های سیاسی،

نشست توسعه عدالت آموزشی در گلستان

و نرخ جذب دانش‌آموزان شش‌ساله به ۹۵.۵ درصد رسیده است. همچنین همه مدیران مدارس استان در اجرای الگوی «مدارس تراز» مشارکت دارند. بیش از ۶۴ هزار دانش‌آموز متوسطه در قالب طرح شهید فخری‌زاده (ایران دیجیتال) با فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی آموزش دیده‌اند و صد درصد مدیران و معلمان متوسطه نیز در شبکه ملی یادگیری (شمیم) ثبت‌نام کرده‌اند. این اقدامات منجر به بازگشت ۲۱۱۸ دانش‌آموز به چرخه تحصیل، کاهش نرخ تکرار پایه در ابتدایی از ۱.۶۶ به ۰.۵۷ درصد و رشد ثبت‌نام در رشته‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش شده است.

تأکید بر مشارکت همگانی

در ادامه نشست، نمایندگان فرهنگیان، خیرین، مدیران مدارس و دانش‌آموزان بر اهمیت مشارکت عمومی و توسعه مهارت‌های کارآفرینانه تأکید کردند. جمشید نجاری، خیر مدرسه‌ساز، ساخت مدارس با مشارکت مردم راه جلوده‌ای از مسئولیت‌پذیری اجتماعی دانست. الله‌قلی غراوی، نماینده مدیران پروژه‌های مردمی، بر ظرفیت بالای مشارکت مردمی حتی در مناطق دورافتاده استان تأکید کرد. زهرا رضایی‌نیا، نماینده معلمان، حمایت از معلمان را سرمایه‌گذاری برای آینده کشور عنوان کرد. مهدی ممشلو، نماینده دانش‌آموزان، مشارکت دانش‌آموزان در تصمیم‌سازی‌های آموزشی را عاملی مهم در تحقق عدالت آموزشی دانست. زینب کاویان، مدیر هنرستان و کارآفرین برتر، مدارس هنرستانی را پایگاه توسعه مهارت‌های کارآفرینانه معرفی کرد. این نشست با تأکید بر هم‌افزایی دولت، آموزش و پرورش، خیرین و مردم، الگویی موفق از تحقق عدالت آموزشی و ارتقای کیفیت یادگیری در استان گلستان را به نمایش گذاشت و مسیر توسعه آموزشی استان با امید و انسجام ادامه خواهد یافت.



فضاهای ورزشی نیز از ۱۶۶ به ۲۸۱ فضا افزایش یافته است. همچنین با ساماندهی و بازتخصیص کلاس‌های موجود، ۱۲۱ کلاس درس با اعتباری بالغ بر ۳۶۰ میلیارد تومان بازسازی یا احداث شده است.

تحولات حوزه کیفیت‌بخشی آموزشی

در حوزه کیفیت‌بخشی، تمامی معلمان ابتدایی استان در اجتماعات یادگیری و طرح توانمندسازی شرکت کرده‌اند تا کلاس‌های درس به محیطی پویا و تحول‌آفرین تبدیل شود. اجرای طرح «حامی» با همراهی ۳ هزار حمایتگر مردمی برای جلوگیری از تکرار پایه در دوره ابتدایی، موفقیت ۶۰ درصدی دانش‌آموزان تحت پوشش را به همراه داشته است. پوشش تحصیلی پایه اول ابتدایی به ۹۸.۵ درصد

۴۵۰ هزار دانش‌آموز و ۲۶ هزار فرهنگی، به‌صورت فعال در اجرای برنامه‌های نهضت ملی مدرسه‌سازی مشارکت دارد. قدرت‌اله نظری افزود: برنامه‌ریزی برای ساخت ۱۳۳ پروژه در قالب ۷۵۳ کلاس درس با زیربنای بیش از ۱۱۰ هزار مترمربع انجام شده و در دو سال نخست اجرای این نهضت، ۵۵ پروژه در قالب ۲۵۱ کلاس درس به بهره‌برداری رسیده است. همچنین مشارکت ۱۳۸۶ نفر از اعضای تیم‌های مردمی در پروژه‌های مدرسه‌سازی، منجر به ارتقای ۱۳۳ تیم مردمی به هیئت امنای مدارس شده است. مدیرکل آموزش و پرورش گلستان تصریح کرد: این اقدامات موجب افزایش سرانه فضای آموزشی استان از ۴.۳۹ به ۴.۴۵ مترمربع و ارتقای سرانه فضای ورزشی از ۰.۲۱ به ۰.۳۷ مترمربع شده و تعداد

غزاله صیدانلو - نشست توسعه عدالت آموزشی استان با حضور مسعود پزشکیان رئیس‌جمهور، علی‌اصغر طهماسبی استاندار گلستان، قدرت‌اله نظری مدیرکل آموزش و پرورش استان، جمعی از فرهنگیان، خیرین مدرسه‌ساز، دانش‌آموزان، نمایندگان معلمان و سایر مسئولان کشوری و استانی برگزار شد. این نشست با هدف بررسی روند پیشرفت نهضت ملی مدرسه‌سازی، تقویت عدالت آموزشی، گسترش مشارکت مردمی و ارتقای کیفیت آموزش در استان برگزار شد.

تأکید رئیس‌جمهور بر عدالت آموزشی

رئیس‌جمهور در این نشست با تأکید بر اهمیت عدالت آموزشی اظهار داشت: هیچ کودکی در ایران نباید به دلیل فقر یا محرومیت از مدرسه باز بماند. عدالت آموزشی زیربنای توسعه کشور است و تنها با مشارکت فعال مردم، معلمان و دانش‌آموزان می‌توان آینده‌ای درخشان برای نسل آینده ساخت. وی با اشاره به اهمیت سرمایه انسانی افزود: افتتاح مدارس و تجهیز کلاس‌ها ارزشمند است، اما هدف اصلی، پرورش خلاقیت، مهارت و امید در نسل جوان است. دانش‌آموزان باید نه صرفاً مصرف‌کننده، بلکه تولیدکننده دانش و فناوری باشند. دکتر پزشکیان همچنین بر حمایت هدفمند دولت از آموزش و پرورش و تقویت نقش خیرین و مشارکت مردمی در تحقق عدالت و کیفیت آموزشی تأکید کرد.

گزارش اقدامات استان در نهضت ملی مدرسه‌سازی

در ادامه این نشست، مدیرکل آموزش و پرورش گلستان با ارائه گزارشی از روند اجرای برنامه‌های عدالت آموزشی در استان گفت: استان گلستان با بیش از ۳۸۰۰ واحد آموزشی از پیش‌دبستان تا متوسطه دوم،